



Morality and Human Dignity as the Common Principles of Islamic Humanitarian Law and International Criminal Law

Meisam Norouzi^{*1}, Sanaz Abolghasemi²

1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanity, Bu- Ali Sina University, Hamedan, Iran.
(Corresponding Author)

2. Ph.D Student, Department of Law, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 57-69

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0001-7742-3480

TELL: +988138381601

Email: m.norouzi@basu.ac.ir

Article history:

Received: 11 Nov 2023

Revised: 11 Dec 2023

Accepted: 16 Dec 2023

Published online: 22 Dec 2023

Keywords:

Human Dignity,
Islamic Humanitarian Law,
International Criminal Law.

ABSTRACT

Islamic Humanitarian Law and International Criminal Law have a significant role in developing ethics and human dignity. In contemporary world, the humanitarian rights are presumably derived from the principles of morality and humanity. As a principal body of Public International Law, International Humanitarian Law (IHL) seeks to regulate the conduct of war and to protect those who are involved in an armed conflict (directly or indirectly). The purpose of this research is to investigate the position of ethics and human dignity, as the common principles of Islamic Humanitarian Law and International Criminal Law (ICC). Given the importance of classifying and summarizing the findings, the descriptive-analytical method has been used in this research.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Norouzi, M & Abolghasemi, S (2023). "Morality and Human Dignity as the Common Principles of Islamic Humanitarian Law and International Criminal Law". *Journal of International Criminal Law*, 1(4): 57-69.



دوره اول، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲

کرامت و اخلاق انسانی؛ نقطه اشتراک حقوق بشردوستانه اسلامی و حقوق بین الملل کیفری

میثم نوروزی^{۱*}، ساناز ابوالقاسمی^۲

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

چکیده

حقوق بشردوستانه اسلامی و حقوق بین الملل کیفری به عنوان دو شاخه اصلی حقوق بین الملل عمومی، جایگاه ویژه‌ای در گسترش اخلاق و کرامت انسانی دارند. در جهان امروزی، قواعد مربوط به حقوق بشردوستانه تماماً برگرفته از اصول اخلاق و انسانیت است. درحقیقت حقوق بشردوستانه دربردارنده قواعد حمایتی برای افراد و گروه‌های انسانی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم درگیر یک مخاصمه مسلحانه می‌شوند. هدف اصلی این پژوهش، بررسی جایگاه کرامت و اخلاق انسانی به عنوان نقطه اشتراک حقوق بشردوستانه اسلامی و حقوق بین الملل کیفری است. در انجام این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. لذا ضمن توصیف عینی و منظم موضوع، بنیان‌های نظری مرتبط با آن با استناد به آیات قرآن، روایات اسلامی و همچنین رویه‌های قضایی مورد بررسی قرار گرفته است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۷-۶۹

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۱-۷۷۴۲-۳۴۸۰

تلفن: +۹۸۹۱۴۳۴۱۸۲۹۹

ایمیل: m.norouzi@basu.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

اخلاق، حقوق بشردوستانه اسلامی،

حقوق بین الملل کیفری.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

امروزه حقوق بین‌الملل عمومی در زمینه‌های جدیدی از مسائل شامل تجارت بین‌الملل، مسائل مربوط به حمایت از محیط‌زیست، حقوق بشر و اکتشافات فضای بیرونی رشد نموده است. به‌طور سنتی حقوق بین‌الملل در مطالعات و فنون تاریخی بر اساس تحولات زمانی قابل‌فهم و درک است (Shaw, 2008: 54). حقوق بین‌الملل بشردوستانه، شکل توسعه‌یافته و تقویت‌شده حقوق بین‌الملل سنتی جنگ (حقوق زمان جنگ) به شمار می‌آید؛ در حقیقت بین حقوق جنگ یا حقوق مخاصمات و حقوق بشردوستانه رابطه عموم و خصوص وجود دارد.

حقوق بین‌الملل کیفری را می‌توان شاخه‌ای مستقل از دانش حقوق دانست که ماهیتی میان‌رشته‌ای دارد و در اندرون خود دانش‌های متعدد و متنوعی را از حقوق بین‌الملل و حقوق کیفری تا حقوق سازمان‌های بین‌المللی و روابط بین‌الملل در خود جای داده است. حقوق بین‌الملل به‌نوعی حاکم بر حقوق و مسؤولیت دولت‌ها (Jennings & Watts, 1994: 6) است در حالی که نهاد حقوق بین‌الملل کیفری مسؤول رسیدگی و اعمال مسؤولیت بر اشخاص از طریق مکانیسم‌های بین‌المللی در سده‌های اخیر است. درحقیقت تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری به‌منزله نمود عینی از ادغام حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بین‌الملل بشردوستانه و نیز ابزاری برای رفع نقایص و کاستی‌های نظام کنونی است.

گروسیوس و سایر بنیان‌گذاران حقوق بین‌الملل عمومی با ایجاد حقوق بین‌الملل به‌عنوان موضوعی که موردقبول حاکمیت‌ها است و با بنیان‌گذاران اساس آن بر مبنای رویه و رضایت کشورها، راه را برای پذیرش حقوقی هموار کردند که ابعادی جهانی به خود گرفته است و چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ اعمال‌شده و علاوه بر آن قادر به عبور از مرز

فرهنگ و تمدن بوده است. با این‌وجود، این **هانری دونان**^۱ عالم بصیر و ژرف‌اندیش قرن نوزدهم بود که پیشگام حقیقی حقوق بین‌المللی بشردوستانه در دوران معاصر شد. دونان در جست‌وجوی «اصولی بین‌المللی که در قالب یک کنوانسیون ضمانت اجرا داشته و غیرقابل‌نقض باشد» و به‌منظور حمایت از مجروحان و همه کسانی که درصدد کمک به آن‌ها بودند، باعث پیشرفت اساسی در حقوق بشردوستانه شد. هرچند که منبع الهام‌بخش این اصول، آموزه‌های اخلاقی و نوع‌دوستانه‌ای است که می‌تواند ریشه در مکاتب الهی و نحل‌های اخلاقی داشته باشد، اما تصریح و پذیرش این قواعد در نظام حقوقی دولت-محور، نقطه عطفی محسوب می‌شود. از سوی دیگر حقوق اسلامی بالأخص حقوق بشردوستانه اسلامی صلح را به‌عنوان وضعیت و حالتی که باید تمام تلاش‌ها و کوشش‌ها متوجه تحقق آن باشد، قلمداد می‌کند. این تنها حالت عادی‌ای است که از سوی نصوص اصلی شرعی تأیید می‌گردد و هر وضعیت یا عمل مخالفی، باید امری استثنایی تلقی گردد و در مطالعه حقوق اسلامی ناب، لازم است نادیده انگاشته شود (محقق داماد، ۱۳۹۳: ۱۰۸). در نظام حقوقی بشردوستانه اسلامی، استفاده از هر ابزاری برای غلبه بر دشمن در جنگ‌ها آزاد نبوده؛ بلکه تابع محدودیت‌های خاص است و به‌طورکلی باید دو ضابطه مهم در کاربرد سلاح رعایت شود: اصل اول این‌که به‌کارگیری سلاحی که موجب رنج و آسیب بیش‌ازحد در قربانی شود، ممنوع است. به‌عنوان مثال در صدر اسلام با توجه به نوع سلاح‌هایی که در آن زمان وجود داشته و در جنگ‌ها به کار می‌رفته است، رعایت این ضابطه برای سربازان امری الزامی بوده و معمولاً فرماندهان به آن امر می‌کرده‌اند. ازجمله این سلاح‌ها، شمشیر و نیزه‌های آغشته به سم و زهر بوده که حاکمان اسلامی استفاده از این نوع سلاح‌ها را به دلیل این‌که موجب درد و رنج بیش‌ازحد در قربانیان می‌شده است، ممنوع

1- Henri Dunant

۱- حقوق جنگ؛ حقوق بشردوستانه و حقوق بشردوستانه اسلامی

حقوق جنگ قدیمی‌ترین شاخه حقوقی بوده که ریشه در اعماق تاریخ و حتی در اندیشه‌های سیاسی و نظامی قبایل بدوی داشته است. در میان قبیله سومریان یک‌نهاد سازمان‌یافته وجود داشته که در آن قواعد و مقرراتی مانند اعلام جنگ، حکمیت، مصونیت سفرا و نمایندگان سیاسی و احترام به قراردادهای صلح وجود داشته است. حمورابی پادشاه بابل در مجموعه قوانین و مقررات خود بنام الواح حمورابی به بخشی از قوانین و مقررات جنگ اشاره می‌کند (محقق داماد، ۱۳۷۵: ۱۴۹).

برخلاف آنچه برخی از صاحب‌نظران مسائل سیاسی و حقوقی بر آن اعتقاد دارند، جنگ نه‌تنها موجب اختتام و یا پایان قواعد و مقررات بین‌المللی نمی‌شود؛ بلکه در پاره‌ای از موارد، به‌وجودآورنده قوانین و مقررات جدید نیز است که هدف آن‌ها به نظم کشیدن و یا قانونمند کردن رفتار متخاصمان و انسانی کردن جنگ است. حقوق بین‌الملل جنگ، بخشی از قوانین بین‌المللی است که قوانینی را در جنگ تعیین می‌کند و این‌که در زمان جنگ چگونه رفتاری با زندانیان و غیرنظامیان باید انجام شود. در آغاز جنگ دوم جهانی قوانین بین‌المللی و توافق‌نامه‌های بین‌المللی جنگی در مورد عدم پذیرفتن حقوق اساسی بنیادین موردبحث نبود و نسخه جدیدی از قانون جنگ و اعلامیه حقوق بشر تنها پس از جنگ و نسل‌کشی توسط سوسیالیست‌های ملی صورت پذیرفت. جامعه بین‌المللی نیز تا سال ۱۹۴۵ سعی نکرد شرایط و روش‌های اجتناب از جنگ را نام ببرد. با این‌وجود جنگ دوم جهانی در یک خالاً قانونی صورت نپذیرفت.

حقوق جنگ متضمن قواعدی است تا بتواند راهبردها و هدایت درگیری‌های مسلحانه را تحت نظم حقوقی درآورده و با انسانی کردن آن‌ها از آثار مخرب و زیان‌بارشان تا حد

می‌کرده‌اند (محقق داماد، ۱۳۹۳: ۱۹۱). دومین اصل از اصول مهم حاکم در نبردهای صدر اسلام تفکیک میان افراد و اهداف نظامی از غیرنظامی بوده است. ازاین‌رو در حقوق بشردوستانه اسلامی استفاده از سلاح‌هایی که ذاتاً تفکیکی بین اهداف و افراد قاتل نمی‌شوند و کرامت انسانی‌ها را خدشه‌دار می‌کنند امروزه از آن‌ها به‌عنوان سلاح‌های کشتارجمعی یاد می‌شود، ممنوع اعلام‌شده است (محقق داماد، ۱۳۹۳: ۱۹۲).

حال با توجه به شرح موارد فوق اهمیت موضوع پژوهش حاضر بررسی و تبیین کرامت و اخلاق انسانی نقطه اشتراک حقوق بشردوستانه اسلامی و حقوق بین‌الملل کیفری می‌باشد. در این پژوهش با توجه به موضوع حاضر در این عرصه کُتب و مقالات گسترده‌ای به زبان فارسی و انگلیسی در راستای موضوع یافت می‌شود اما منبعی که به‌طور مُستقیم به این حوزه اشتراک در دو حوزه حقوق بشردوستانه اسلامی و حقوق بین‌الملل کیفری اشاره نماید یافت نمی‌گردد؛ بنابراین در این پژوهش با توجه به موضوع و اهمیت این حوزه به این سؤال اصلی پرداخته می‌گردد که: کرامت و اخلاق انسانی چگونه به‌عنوان نقطه اشتراک حقوق بشردوستانه اسلامی و حقوق بین‌الملل کیفری شناخته می‌شود؟ حال با توجه به این سؤال اصلی، فرضیه پژوهش را بر این امر می‌نهیم که با توجه به ماهیت و اهداف حقوق بشردوستانه اسلامی و حقوق بین‌الملل کیفری، به‌عنوان دوشاخه مهم و مستقل از حقوق بین‌الملل عمومی حفظ کرامت انسان‌ها در مخاصمات اعم از داخلی و بین‌المللی به‌عنوان نقطه اشتراک در هر دو نظام حقوقی می‌باشد. در این پژوهش ابتدا به مفاهیم و کرامت انسانی در هر دو حوزه حقوقی و سپس در اسناد و رویه قضایی بین‌المللی پرداخته می‌شود.

(۲۱۷). حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌طور تساوی برای همه طرفین درگیر در یک مخاصمه مسلحانه به‌کاربرده می‌شود؛ صرف‌نظر از این‌که طرف شروع‌کننده مخاصمه بوده است یا خیر. گفتنی است که این حقوق تماماً در حمایت از اشخاص در مخاصمات مسلحانه به‌کاربرده می‌شود (Fleck, 2008: 1).

امروزه هدف از حقوق بشردوستانه تأمین احترام به شأن والا و کرامت انسان و تضمین حق حیات و حقوق اساسی بشر و به‌طور کلی تعمیم هنجارهای حقوق بشری به حقوق بین‌الملل ناظر بر منازعات مسلحانه است. حقوق بشردوستانه درصدد تعیین مشروعیت یا عدم مشروعیت جنگ نیست؛ بلکه هدف آن در ابتدا و به‌طور عمده محدود ساختن آثار مخرب جنگ است. باید اذعان داشت که حقوق بشردوستانه بخشی از حقوق بین‌الملل است که در هنگام مخاصمات مسلحانه بر روابط بین‌المللی دولت‌ها و عملکرد نیروهای نظامی حاکم می‌شود. هدف اصلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه که در غالب معاهدات و اسناد بین‌المللی آمده است، حمایت از حیات، سلامت و کرامت غیرنظامیان و رزمندگانی که در صحنه درگیری را ترک کرده‌اند، می‌باشد (فقیه حبیبی، ۱۳۹۵: ۸۲). حقوق بشردوستانه نیز در زمره هنجارهای حقوقی است که اعتباری عام و جهانی دارد و مورد تأیید همه ملت‌ها و رای اختلافات فرهنگی و هنجاری است (عباسی، ۱۳۹۵: ۱۳).

حقوق بشردوستانه در اسلام، مجموعه قواعد فقهی و حکومتی اسلام است که سه مقطع زمانی پیش، حین و پس از جنگ را تشکیل می‌دهد و مسلمانان موظف به رعایت آن‌هاست. از سویی منابع حقوق جنگ در اسلام، همان منابع حقوق بین‌الملل در اسلام که شامل کتاب، سنت، اجماع، عقل و در نظریه اهل سنت قیاس می‌باشد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۱۴۰).

ممکن بکاهد. رسالت آن بخش از حقوق جنگ که وظیفه انسانی کردن مخاصمات را بر عهده‌دار، حقوق بشردوستانه است. در حقوق بین‌الملل تعریف جنگ پذیرفته‌شده و الزام‌آور نیست؛ در توصیف کلاوزویتس^۱ جنگ به‌عنوان (توسل به‌زور برای اجبار دشمن به انجام خواست ما)^۲ شناخته می‌شود (Solis, 2010: 21). در اشاره به حقوق حاکم به توسل به‌زور^۳ حقوق بین‌الملل همچنین تنظیمات قواعد مربوط به مخاصمات را دنبال می‌کند.^۴ این اصول حاکم برای مثال شامل رفتار با اسیران جنگی، غیرنظامیان در مناطق اشغالی، بیماران، کارکنان زخمی و ممنوعیت شیوه‌های جنگی و حقوق بشر در زمان مخاصمات است (Solis, 2010: 23).

حقوق بشردوستانه به‌عنوان یکی از شاخه‌ها یا شعبات حقوق بین‌الملل عمومی مقام و موقعیتی حساس و برجسته دارد و یکی از محورهای مهم و اساسی در حقوق بین‌الملل انسانی است؛ زیرا امروزه بدون تردید جامعه جهانی، جامعه انسانی و حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بشردوستانه، مشحون از اصول انسانیت است. حقوق بشردوستانه متضمن قواعد حمایتی و تعهدات عام‌الشمول برای افراد و گروه‌های انسانی، کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و به‌طور کلی هر تابعی از تابعان حقوق بین‌الملل است که به‌نوعی مستقیم یا غیرمستقیم درگیر یک مخاصمه مسلحانه و حتی در مواردی درگیر یک شورش یا آشوب مسلحانه داخلی با آستانه بالا هستند. قلمرو اجرایی حقوق بشردوستانه حتی کشورهای غیر متخاصم یا بی‌طرف را نیز شامل می‌شود (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۲۳).

بدین ترتیب گرچه حقوق بشردوستانه به دلیل ریشه داشتن در باورهای اعتقادی و اخلاقی ملل قدمت دیرینه دارد، تدوین آن در دو سده اخیر صورت گرفته است (کاظمی، ۱۳۸۹: ۲۳۸۹).

1- Clausewitz

2- An act of force to compel our enemy to do our will

3- Jus ad bellum

4- Jus in bello

همان‌گونه که می‌دانیم، شرایط زندگی مردم در قرن‌های چهارم و پنجم میلادی از تاریک‌ترین و غم‌انگیزترین شرایط در تاریخ بشر و به‌خصوص در زمینه منازعات مسلحانه بوده است و ویرانگری و وحشیگری و مثله کردن اجساد جزء کارهای عادی به شمار می‌رفته است. هیچ فرقی میان رزمندگان و غیرنظامیان گذاشته نمی‌شد و هیچ حمایتی از زنان، کودکان، پیران و بیماران وجود نداشت. هیچ محدودیتی جهت نابودی و ویرانی اهداف و اشیاء از هیچ نوعی وجود نداشت. قوانین مراعات نمی‌شد. زیرا جهان به ورطه نوعی انحطاط و فساد معنوی و مادی افتاده بود. در چنین روزگاری بود که اسلام ظهور کرد. رسالت آن در گسترش تمدن از آن جهت بود که وضع دردناک جوامع آن روز را بهبود بخشد و این خلأ اخلاقی و حقوقی را که مردم در جوامع مذکور در آن به سر می‌بردند، پر کند. شیوه انسانی و بشردوستانه اسلام تأثیر زیادی بر امور مربوط به منازعات مسلحانه گذارد و نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری و صورت‌بندی حقوق مدرن مربوط به جنگ ایفاء نمود. ضرورت و نیاز با مفاهیمی چون انسانیت و فتوت تعدیل گردید، ضرورت برای اولین بار تابع و مقید به محدودیت‌های بسیار گسترده شد. رسالت اسلام در گسترش تمدن به انجام رسید و تأثیر آن باعث ظهور و تولد مجدد تمدن در جهان گردید.

در حقوق اسلام مقصود از حقوق بشردوستانه اسلامی کلیه امتیازات و اقتدارات مشروعی است که اسلام در جنگ برای دشمن شناخته است. این حقوق ممکن است مستقیماً انسان‌ها را مورد حمایت قرار دهد و یا به‌صورت غیرمستقیم حمایت از اموال، ساختمان‌ها و حتی حیوانات را بر عهده گیرد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۳: ۱۴۷).

پیش از اسلام حقوق بشردوستانه وجود داشت، اما چندان توجهی به آن نمی‌شد. خداوند در آیات مختلف از قرآن کریم، بر رفتار انسانی با دشمن و رعایت حقوق بشردوستانه تأکید

می‌فرماید. «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يقاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره/۱۹۰) (در راه خدا قتال کنید با کسانی که با شما می‌جنگند و تجاوز مکنید که خدا تجاوزکاران را دوست ندارد). در تفاسیر نیز این مطلب به‌خوبی نشان داده‌شده است که بر اساس آیه مذکور، مواردی مانند جنگ قبل از مصالحه بر سر حق، جنگ ابتدائی، کشتار زنان و کودکان، نیز حمله و کشتار قبل از اعلان جنگ به دشمن از مصادیق ممنوعه جنگ است و مورد رضای آموزه‌های اسلامی نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶۱). پس در حقوق اسلام مبادرت به اعمالی مانند شکنجه و آزار دشمن، کشتار تسلیم‌شدگان، کشتار فراریان از جنگ، کشتار اسلام‌آوردگان دشمن، کشتار مجروحان و اسیران جنگی، مثله کردن جسد دشمن، تخریب و انهدام هدف‌های غیر راهبردی و غیرنظامی دشمن، کشتار حیوانات اهلی دشمن، محاصره اقتصادی دشمن، استعمال سم و مواد شیمیایی زیان‌بار علیه دشمن، تعرض به کلیساها و معابد دشمن برای مسلمانان نسبت به دشمنان در جنگ ممنوع خواهد بود (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۳: ۱۵۱).

باید توجه داشت که مفهوم اسلامی موردنظر همانند حقوق بین‌الملل بشردوستانه نوین بین اقسام جنگ یا مخاصمات مسلحانه فرق نمی‌گذارد. لذا این قواعد به‌مانند قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه نوین تمامی منازعات مسلحانه را بدون توجه به ماهیت آن‌ها در بر می‌گیرد.

یکی از قواعد اساسی مفهوم حقوق بشردوستانه اسلامی، به مؤمنانی که در راه خدا با دشمنان می‌جنگند، امر می‌کند که هرگز از حدود عدالت و انصاف خارج نشوند و گام در طریق استبداد و ستمگری نگذارند آیات ۱۰۹ به بعد از سوره بقره قرآن و دستورات پیامبر به نیروهای خود؛ که این قاعده درواقع همان قاعده عرفی معروف به «شرط مارتنس» که در مقررات ۱۹۰۷ لاهه و نیز در ماده ۳۵ نخستین پروتکل

الحاقی به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو در خصوص حقوق بین‌الملل بشردوستانه گنجانیده شده است؛ می‌باشد. مفهوم اسلامی حقوق بشردوستانه حمایت‌های ویژه‌ای از بعضی طبقات غیرنظامی مانند اطفال، زنان، پیران، افراد مریض و راهبان مقرر می‌دارد. تمامی دستوران پیامبر خدا و خلفا صراحتاً اعلام می‌دارند که خصوصیت نباید بر علیه چنین افرادی صورت گیرد. بدیهی است که مصداق ماده ۵۱ پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو و همچنین مواد ۷۷ و ۷۸ همین‌گونه افرادند.

شارع مقدس اسلام در حوزه حقوق و تکالیف طرفین محاربه از پیشروان اندیشه بشردوستی است، شواهدی وجود دارد که در میان قبایل جزیره العرب پیش از اسلام و نیز در متون سیاسی و حقوقی هند و چین نیز قواعدی برای جلوگیری از رفتارهای وحشیانه در جنگ وجود داشته است. مفهوم اسلامی حقوق بین‌الملل بشردوستانه یکی از عناصر ذاتی و اصول بنیادین نظام حقوقی اسلامی است؛ مفهومی سنجیده و مستقل و جذاب است، برای پی بردن به ارزش ذاتی مفهوم اسلامی حقوق بشردوستانه باید آن را در چارچوب حقیقی خود قرار دهیم و در چشم‌انداز تاریخی بررسی کنیم زیرا مشی اسلامی که ماهیتاً جهانی است و زمان و مکان را درمی‌نوردد، تنها بر منازعات مسلحانه مبتنی نیست بلکه بر اعتقادات مسلمانان و ماهیت نظام حقوقی اسلامی و برداشت آن از رابطه بین جهان اسلام و جهان خارج نیز مبنی است. نظام حقوقی اسلام دو ستون اصلی دارد که مشابه دیگر نظام‌های حقوقی معاصر نیست. اول این که نظام حقوقی اسلامی ماهیتاً نظامی این جهانی یا دنیوی نیست، بلکه دارای منشأ الهی و مقدس است و عبارت است از اعمال ایمان اسلامی به‌نحوی مشخص در مورد روابط انسانی، اسلام نه تنها یکی از ادیان، بلکه مجموعه قواعدی حاکم بر رفتار مؤمنین و شکل‌دهنده روابط آنان در جامعه است. در اسلام، ایمان دینی

و نظم حقوقی، کل تجزیه‌ناپذیری درست می‌کنند که در آن، ایمان منشأ و مصدر و نظم حقوقی مکمل آن است. دوم این که نظام حقوقی اسلامی برخلاف اغلب نظام‌های حقوقی معاصر که شامل حقوق خصوصی و عمومی می‌باشند، به شاخه‌های جداگانه تقسیم نمی‌گردد. قواعد آن از قرآن گرفته شده و مقوم کلیتی خطاب به هر شخصی در هر زمان و مکان می‌باشد: قواعدی است دارای منشأ الهی برای افراد از حیث فرد بودن و نیز برای اجتماعات و جوامع به هر شکل و نوع و دارای هر ساختاری که باشند. خداوند از طریق پیامبر خود، انسان را به‌طور کلی و بدون تمایز مخاطب قرار می‌دهد و قواعدی را جهت اداره و تنظیم رفتار وی در جامعه و هدایت او در زمینه اعتقادات و ایمان مقرر می‌دارد. بنابراین در اسلام فقط یک خدا و یک قانون وجود دارد. این قانون خطاب به همه بدون تمایز و تبعیض می‌باشد و شامل مجموعه قواعدی حاکم و ناظر بر کلیه روابط مختلف و تمامی مناسبات انسانی است. ماهیت این روابط و تنوع آن‌ها هر چه باشد، پایه و اساس آن قواعد یکی است (محقق داماد، ۱۳۷۲: ۲۲۰). اسلام در قرن هفتم میلادی ظهور کرد، درحالی که حقوق بین‌الملل بشردوستانه به شکل امروزی تا قبل از نیمه دوم قرن بیستم هنوز شکل نگرفته بود.

اسلام در قرن هفتم هنگامی ظهور کرد که جنگ، سلطه‌جویی، برده‌داری و جهل حکومت می‌کرد. زور در تمامی شؤون زندگی عرض‌اندام می‌کرد و کیفیت بی‌قیدوشرط داشت. جوامع آن دوران هیچ‌گونه ساخت اجتماعی یا اقتصادی نداشتند یا حداکثر از این حیث در حد بسیار ضعیفی بودند. مفاهیم دولت، سرزمین، مرز، تابعیت، روابط سازمان‌یافته، ارتباطات و اطلاعات یا وجود نداشتند یا ناشناخته بودند. هدف اسلام این بود که این خلأ تاریک را پر نماید، اساس رسالت اسلام دین‌داری و متمدن کردن بشر و غرض از آن به منصفه ظهور رسانیدن خواست جامعه‌ای نوین

قسمت c ماده ۸ در خصوص جرایم جنگی به همین مورد هم دقیقاً اشاره می‌گردد و یا در ماده ۶۸ در خصوص حمایت از قربانیان و شاهدان و شرکت آنان در مراحل دادرسی به کرامت و شأن^۲ آن‌ها اشاره می‌نماید.^۳

کرامت انسانی را می‌توان مهم‌ترین مبنای نظام حقوق بشردوستانه اسلامی و حقوق بین‌الملل کیفری دانست. بر پایه همین کرامت انسانی؛ حق‌های مندرج در قواعد بشردوستانه اسلامی و حقوق بین‌الملل کیفری توجیه می‌گردد. از همین رو است که بر «کرامت انسانی» در اسناد حقوق بشردوستانه به‌طور عام و حقوق بین‌الملل کیفری به‌مثابه نقطه اشتراک در هر دو نظام حقوقی تأکید شده است. از سوی دیگر کرامت که معادل درست و گویای واژه انگلیسی «Dignity» است، واژه‌ای قرآنی می‌باشد. در قاموس قرآن نیز کرامت به معنای بزرگواری و شرافت، بخشندگی و سخاوت، ارزشمند بودن و عزیز بودن و مانند آن آمده است (قرشی بنابی، ۱۳۷۶: ۱۰۳). آیت‌الله جوادی آملی در بیان معنای کرامت آورده‌اند:

«کرامت همان نزاهت از پستی و فرومایگی است. کریم غیر از کبیر و عظیم است. کریم معنایی دارد که شاید در فارسی معادل بسیط نداشته باشد؛ لذا اگر ما خواسته باشیم کلمه کریم را به فارسی ترجمه کنیم. باید چند کلمه را کنار هم بگذاریم تا معنای کریم روشن شود» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۱).

به عبارت بهتر می‌توان گفت: معنای اصطلاحی کرامت انسانی عبارت است از اینکه انسان به ماهو انسان، عزیز و شریف و ارجمند است؛ و نیز در تدوین حقوق بشر، آنچه معنای اصلی قرار گرفته، ملاحظات انسان است از آن حیث که انسان است، نه معیارهای چون رنگ، نژاد، زبان، جغرافیا، طبقه اجتماعی، اعتقاد دینی و....

برای ایجاد انسجام و ورود به صحنه عمل بود، جامعه‌ای که بعدازآن می‌بایست مسلط بر سرنوشت خود باشد. به این جامعه نوین، دینی مبتنی بر توحید و نظامی حقوقی نشئت‌گرفته از سه منبع قرآن، سنت و اجتهاد عطا شد. مفهوم حقوق بین‌الملل بشردوستانه در اسلام شامل برخی قواعد است که کیفیت بنیادین دارند و سراسر نظام حقوقی بشردوستانه اسلام متأثر از آن‌هاست (محقق داماد، ۱۳۷۲: ۲۲۱-۲۲۲) البته باید اذعان داشت که حقوق اسلامی بالأخص حقوق بشردوستانه اسلامی به جهت داشتن احکام بشردوستانه در خصوص کرامت انسانی که درآیات قرآن در ادامه تحقیق بررسی می‌شود بسیار غنی‌تر از حقوق بشردوستانه کنونی در عصر حاضر است (فقیه حبیبی، ۱۳۹۵: ۳).

۲- مفهوم کرامت و اخلاق انسانی در حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری

در فرهنگ لغت فارسی کرامت به معنای «بزرگی ورزیدن، جوانمرد گردیدن، بزرگواری، جوانمردی، بخشندگی و...» است (معین، ذیل کلمه کرامت). انسان‌ها به خاطر انسان بودنشان از حقوق، حمایت‌ها و حفاظت‌های بشردوستانه و کیفری برخوردارند و قواعد حقوق بشردوستانه هر دو از وجدان عمومی برخاسته‌اند. حمایت از انسان و انسانیت پایه اساسی و نهایی تعهد در هر دودسته از قواعد مذکور است. در اسناد حقوق بین‌الملل کیفری به‌ویژه در اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری، رواندا و یوگسلاوی سابق به‌طور صریح یا ضمنی به واژه «کرامت انسانی» یا کرامت هر شخص که معادل درست و گویای واژه انگلیسی «Dignity» است، اشاره شده است. به‌طور مثال در اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری در مواد ۸ (۲) b در خصوص جرایم جنگی به تجاوز به کرامت شخص، به‌ویژه رفتار موهن و تحقیرآمیز^۱ اشاره می‌کند. همچنین در

2- Dignity

3- Article 68: Protection of the victims and witnesses and their participation in the proceedings. The Court shall take appropriate measures to protect the safety, physical and psychological well-being, dignity and privacy of victims and witnesses.

1- Committing outrages upon personal dignity, (particularly humiliating and degrading treatment)

خداوند متعال در قرآن کریم و در آیه ۷۰ سوره الاسراء کرامت را شامل همه انسان‌ها می‌داند و می‌فرماید: «و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آن‌ها را به مرکب خشکی و دریا سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آن‌ها را روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بخشیدیم». این آیه، به بهترین وجه ممکن، توصیف‌کننده معنای کرامت انسانی موردنظر در اسلام است.

صاحب تفسیر المیزان در خصوص معنای تکریم در آیه مذکور و تفاوت آن با تفضیل بیان می‌دارد مقصود از تکریم اختصاص دادن به عنایت و شرافت دادن به خصوصیتی است که در دیگران نباشد و با توجه به همین نکته است که معنای «تکریم» با «تفضیل» متفاوت می‌شود؛ زیرا تکریم معنایی است نفسی و کاری به غیر نیست، بلکه تنها شخص موردتکریم موردنظر است که دارای شرافتی و کرامتی بشود، به خلاف تفضیل که منظور از آن این است که شخص مورد تفضیل از دیگران برتری یابد، درحالی‌که او با دیگران در اصل آن عطیه مشترک است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵۶). فخر رازی نیز با نگاهی فلسفی به این آیه بیان داشته است انسان جوهری مرکب از نفس و بدن است که نفس او اشرف نفوس و بدن او اشرف بدن‌های موجود در عالم سفلی است. به همین جهت است آدمی از کرامت خاصی برخوردار شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۷۲). صدرالمتهلین شیرازی نیز کرامت انسانی را به وجود قوه تعقل و نیروی شناخت می‌داند که در وجود انسان نهاده شده است. به باور او، سایر مواردی که گاهی اوقات به‌عنوان عوامل کرامت انسانی شمرده می‌شود- از قبیل زیبایی ظاهری و جسمانی، فراوانی مال و مکت، وجود قوایی مانند غضب و شهوت- توهمی بیش نیست (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۱۳۸).

به تعبیری در اولین آیاتی که بر پیامبر اکرم نازل شد، آورده شده خداوند که اکرم است، از راه قلم تعلیم کرامت می‌دهد و

انسان را کریم می‌کند. همچنین آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات، تقوا را محور کرامت بیان می‌کند: «چیزی مایه کرامت نیست مگر به تقوا». خداوند در قرآن کریم در سوره اسراء، آیه ۷۰، از اعطای کرامت به ابناء بشر سخن گفته است. تکریم به معنی بزرگداشت است و کرامت به معنی عزت، منزلت والا و شرف. از دیدگاه ادیان الهی کرامت انسانی تجلی اراده حق تعالی است. عطیه مقدسی است که خداوند به انسان عنایت فرموده است و هیچ‌کس نمی‌تواند این عطیه الهی را از بشر سلب کند. حرمت و کرامت انسانی حقی مطلق و خدشه‌ناپذیر است که تجاوز به آن را به‌هیچ‌روی، نه به نام نظم عمومی و نه به هیچ بهانه دیگری نمی‌توان جایز دانست (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۸۶)؛ بنابراین، مهم‌ترین قاعده اساسی در مفهوم حقوق بشردوستانه اسلامی مربوط به ارزش و کرامت انسان است و رسماً مثله کردن و شکنجه و هر شکل دیگر از رفتار تحقیرآمیز با دشمن را منع می‌نماید. در آن زمان بریدن قضیت افراد دشمن که درنبرد کشته می‌شدند یا مثله کردن آن‌ها به شیوه‌های وحشیانه دیگر رایج و عادی بود، اما اسلام رسماً پیروان خود را از انجام این کارها منع کرده است. آیات قرآن و سنت پیامبر و اجتهاد فقهای برجسته اسلامی در این مورد صراحت دارند. برای مثال هنگامی که در یکی از نبردها تصمیم گرفته شد که اسرا را برای مقابله‌به‌مثل مثله کنند، پیامبر که عمویش در همان زمان مثله شده بود، این دستور صریح را به مؤمنین صادر کرد که حتی یک سگ را هم مثله نکنید. فرماندهان همیشه در تعلیمات خود به سربازان مسلمان این دستور را می‌گنجانیده‌اند. از این قاعده اساسی که سیزده قرن قبل برای مبارزه با عملی رایج در آن زمان وضع شده است، می‌توان تمامی تضمینات اساسی کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو را استنباط (اجتهاد) کرد. این استنباط که به نظر ما استنباطی منطقی است، کاملاً در چارچوب پنج اصل بنیادی قرآنی (عدالت، مساوات، شور، عمل متقابل به توجه به اخلاقیات و احترام به تعهدات قبلی قابل

توجیه است و باید اضافه کرد که کاملاً با احترام به حقوق بشرملازمه دارد که نظام حقوقی اسلام نخستین نظامی بود که آن را بازشناخت و جایگاهی پر احترام به آن اختصاص داد (محقق داماد، ۱۳۷۲: ۲۲۵). در مورد رفتار با اسرای جنگی در خصوص کرامت آن‌ها، کافی است کلام خداوند را در قرآن در سوره ابراهیم آیه ۶ را به یاد بیاوریم.

صالحان باید از سرچشمه‌ای بنوشند که مجاهدان خدا از آن می‌نوشند... آنان عهد و پیمان خود را به‌جای آورند... برای رضای خدا به فقرا، یتیمان و اسرا طعام می‌دهند (محقق داماد، ۱۳۷۲: ۲۲۸). در منطق قرآن کریم انسان از جایگاه بسیار والایی برخوردار است؛ چنانکه درجایی جانشین خداوند در زمین بیان شده است (بقره/۳۰) و یا در سوره حجر آیه ۲۹ که می‌فرماید: «روح خداوند در انسان دمیده شده و او مسجود ملائکه است». قرآن کریم به‌صورت مکرر بر رعایت عدالت و تجاوز نکردن از حدود معقول انسانی در مقابل دشمنان تأکید کرده است. برخی از تعالیم گسترده اسلام در مورد اشخاص و افرادی است که در جنگ و نبرد شرکت نکرده‌اند و یا طرف درگیر نیستند، می‌باشد. به‌عبارت دیگر دین اسلام، برای افراد غیرنظامی، خواهان امنیت و سلامتی کامل شده و همچنین اسلام حقوق ویژه‌ای را برای کودکان و زنان در زمان جنگ قائل شده است. در حدیثی پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: پیران، زنان، اطفال، عابران و رهبانان را که در غارها و بیغول‌ها زندگی می‌کنند، به قتل نرسانید. شبیه این حدیث را، امام صادق نیز نقل کرده‌اند (فقیه حبیبی، ۱۳۹۵: ۸۴). همچنین در سوره نساء آیه ۳۶ آمده است که: «خدا را بپرستید و هیچ‌چیز شریک او مسازید و با پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و همسایه خویشاوند و همسایه بیگانه و یار مصاحب و مسافر رهگذر و بندگان خود نیکی کنید هرآینه خدا متکبران و فخر فروشان را دوست ندارد».

همچنین در سوره بقره در آیه ۱۹۴ به لزوم عدالت‌ورزی حتی در زمان جنگ اشاره کرده و می‌فرماید: «این ماه حرام در مقابل آن ماه حرام و شکستن ماه‌های حرام را قصاص است، پس هر کس بر شما تعدی کند به همان اندازه تعدی‌اش بر او تعدی کنید و از خدا بترسید و بدانید که او با پرهیزگاران است».

از دیگر موارد کرامت انسانی در آینه قرآن کریم نیکو سخن گفتن و برخورد شایسته در قبال همنوعان است. در سوره نساء آیه ۵ به احترام به سفیهان اشاره شده است: «اموالتان را که خدا قوام زندگی شما ساخته است، به دست سفیهان مدهید ولی از آن هزینه و لباسشان دهید و با آنان سخن به نیکی گویند». همچنین در سوره الانعام آیه ۵۲ به ارزش و احترام مؤمنین در نزد خداوند به این‌گونه اشاره می‌نماید: «کسانی را که هر بامداد و شبانگاه پروردگار خویش را می‌خوانند و خواستار خشنودی او هستند، طرد مکن. نه چیزی از حساب آن‌ها بر عهده توست و نه چیزی از حساب تو بر عهده ایشان اگر آن‌ها را طرد کنی، در زمره ستمکاران درآیی».

در آیه ۲۶۳ سوره مبارکه البقره نیز در خصوص خوش‌رفتاری و خوش‌گفتاری در برخورد با نیازمندان چنین می‌فرماید: «گفتار پسندیده (در برابر نیازمندان) و عفو (و گذشت از خشونت‌های آن‌ها)، از بخششی که آزاری به دنبال آن باشد، بهتر است؛ و خداوند، بی‌نیاز و بردبار است». در تفسیر مجمع‌البیان ذیل آیه مذکور اقوال مختلفی در خصوص «قول معروف» گفته شده یعنی کلامی نیکو و زیبا که هیچ نوع زشتی همراه ندارد و با آن، سائل و فقیر را رد کند. بعضی می‌گویند یعنی دعایی نیکو مثل اینکه بگوید: خدا برایت بسازد، خدا تو را از سؤال بی‌نیاز کند، خداوند روزی تو را زیاد کند و مانند آن. بعضی دیگر معنای آن را (وعده نیکو) دانسته‌اند و برخی نیز گفته‌اند اصلاح ذات‌البین است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۴۸).

۲-۱- کرامت و اخلاق انسانی در اسناد بین‌المللی

واژه «کرامت انسانی» در اسناد متعددی مورد تصریح و تأکید قرار گرفته است که در ذیل به نمونه‌ای از آن‌ها اشاره می‌گردد:

الف. در مقدمه منشور سازمان ملل متحد، دولت‌های عضو ایمان خود را به حقوق اساسی انسان، کرامت او و ارزش شخصی انسانی اظهار نموده‌اند.

ب. اعلامیه جهانی حقوق بشر م‌صوب ۱۰ دسامبر سال ۱۹۴۸، به نحو مؤکد، کرامت انسانی را مورد توجه قرارداده‌ها است.

پ. در مقدمه کنوانسیون رفع اشکال تبعیض علیه زنان و نیز اعلامیه اجلاس جهانی زن بر مقام و منزلت و حقوق یکسان انسان‌ها و ضرورت احترام به شخصیت بشر تأکید شده است. ت. کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی در آغاز مقدمه بر اصل حیثیت و کرامت ذاتی انسان به‌عنوان یکی از اصولی که در منشور ملل متحد بر آن مبتنی است، تأکید ورزیده است (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۱۹). در ادامه به اهمیت کرامت انسانی در آراء کیفری بین‌المللی پرداخته می‌گردد.

۲-۲- کرامت و اخلاق انسانی در آراء کیفری بین‌المللی

ایده کرامت انسانی تنها در اسناد بین‌المللی باقی نمانده؛ بلکه مورد استناد قضات بین‌المللی هم قرار گرفته و مقام و منزلت والای خود را به دست آورده است. دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق افزون بر این‌که متهمان را به اتهام نقض کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو، نقض حقوق بین‌الملل عرفی، ارتکاب جنایات جنگی، نسل‌کشی و ارتکاب جرایم علیه بشریت محاکمه نمود که بسیاری از موارد نقض کنوانسیون‌های ژنو، جنایات جنگی، جرایم علیه بشریت و نسل‌کشی از مصادیق روشن اهانت به کرامت انسانی محسوب می‌شوند؛ به‌طور مشخص نیز به اهانت به کرامت انسانی به‌عنوان جرمی مستقل توجه نموده است. برای مثال

آنچه در قرار^۱ علیه رادیوان کارادزیچ^۲ و راتکوملادیچ^۳ دو متهم به ارتکاب جرایم علیه بشریت آمده است، نمونه‌های روشن نقض کرامت انسانی به چشم می‌خورد؛ هرچند به‌طور صریح از آن یاد نشده است (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۳۳).^۴

شعبه رسیدگی‌کننده دیوان یوگسلاوی در حکم مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۹۸ خود مقرر می‌دارد: ذات نظام بشردوستانه بین‌المللی و نیز نظام حقوق بشر، حمایت از کرامت انسانی است. اصل عام احترام به کرامت انسانی اساس و فلسفه وجودی نظام بشردوستانه بین‌المللی و نظام حقوق بشر است.^۵ همچنین شعبه رسیدگی‌کننده دیوان باز در حکم مورخ ۲۲ فوریه ۲۰۰۱ درباره جرم اهانت به کرامت شخص مقرر می‌کند: «این جرم در چارچوب ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، جزئی از حقوق بین‌الملل عرفی است. حقوق بین‌الملل عرفی، نقض مفاد ماده ۳ مشترک و نقض حقوق و عرف‌های جنگ را موجب تحقق مسؤولیت کیفری برای شخص مرتکب به شمار می‌آورد. بی‌تردید این عنوان در زمره جرایم شدید به شمار می‌آید».^۶

اصل کرامت انسانی مقتضی است که فرد انسانی از هر طبقه، گروه، فرقه، نژاد یا زبانی که باشد؛ حتی اگر جنایت‌کار جنگی، مخالف و معاند سیاسی، جاسوس، خائن، قاتل، مسم‌ن‌کننده و منفور، محکوم به اعدام، بیگانه، غیر تبعه یا حتی تبعه دشمن در حال جنگ باشد، باید به‌عنوان یک انسان به او نگریسته شود. او مُحق است برای احقاق حقوق خود به یک مرجع

1- Award

2- Radovan Karadžić

3- Ratko Mladić

۴- این دو متهم به ارتکاب جنایت نسل‌کشی در خاک بوسنی و هرزه‌گوین و نیز آزار و اذیت اشخاص غیرنظامی به دلایل ملی، سیاسی و مذهبی بودند. از لحاظ کیفری اتهامات این افراد شامل قتل، تجاوز جنسی، بازداشت غیرقانونی، شکنجه و... بود.

5- ICTY, Case NO. IT - 96, 17 / 1, 10 December 1998, paras. 162-183.

6- ICTY, Trial Chamber, the Prosecutor v. Kunarac (Judgment) 22 Feb. 2001, Case No. IT - 96, 23- T, Para. 408.

قضایی مستقل، بی‌طرف و آزاد از مداخله دولت مراجعه کند. چنان‌که محاکمه وی باید در یک دادگاه عادلانه و با رعایت تشریفات قانونی و اصول عدالت کیفری صورت گیرد که ناشی از اهمیت کرامت انسانی است (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۴۲).

نتیجه‌گیری

حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر دوستانه اسلامی، اشکال توسعه یافته حقوق جنگ یا حقوق مخاصمات هستند که در زمان جنگ بین طرفین حاکم می‌شود و سبب محدود کردن شدت خشونت‌ها می‌گردد. به عبارتی این دو شاخه از حقوق بین‌الملل حمایت از انسان، کرامت و اخلاق انسانی را مبنای قواعد خود قرار داده‌اند؛ قواعدی که در تمامی اسناد بین‌المللی اعم از کیفری و بشردوستانه به‌طور صریح و ضمنی نسبت به آنان تصریح شده است. در واقع حقوق بشر و بشردوستانه اسلامی، اصل را بر حمایت از کرامت انسان‌ها در مخاصمات مسلحانه گذاشته و کاری با دیگر جنبه‌های مخاصمات اعم از داخلی و بین‌المللی نخواهد داشت؛ زیرا مطابق مبانی آنها، هیچ تفاوتی بین مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی وجود ندارد. از سوی دیگر، حقوق بین‌الملل کیفری که به مجازات مرتکبان جرایم بین‌المللی از جمله نقض حقوق بشر می‌پردازد، ضامن ثبات و حفظ حاکمیت کیفری ملی در حمایت از انسان و انسانیت و کرامت انسانی می‌شود. برخی از حقوق‌دانان کیفری معتقدند باید قدر زمان و مسیر طی شده در وادی حقوق بین‌الملل کیفری را دانست چرا که حقوق بین‌الملل در قرن بیستم به دو دلیل پیشرفت داشته است: دلیل اول ناشی از فشار حوادث تأثر برانگیز این قرن است (که البته هزینه گزاف آن را بزه‌دیدگان پرداخته‌اند) و دیگری عبارت از تأثیراتی است که این حوادث در پی داشته‌اند. گفتنی است که علی‌رغم تفاوت‌های ساختاری حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری، تحقق اهداف آن‌ها در گرو حمایت از اخلاق و کرامت انسانی

است. به نظر می‌رسد که میان حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری، رابطه عموم و خصوص من وجه وجود دارد. در حال حاضر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به‌عنوان نگهبان اصلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌عنوان یک‌نهاد بین‌المللی غیردولتی و نقطه اشتراک هر دو نظام حقوقی در حال اتخاذ تدابیری است که تفسیری موسع از حقوق بشر داشته باشد و درواقع حقوق بشردوستانه و بشردوستانه اسلامی را زیرمجموعه حقوق بشر در جهت مکانیسم مؤثر در تضمین آن بداند. البته اگر بخواهیم به‌واقع هم بنگریم حقوق بشر اعم از حقوق بشردوستانه است و حقوق بشردوستانه می‌تواند در زیر چتر حقوق بشر مورد تضمین مکانیزم‌های مؤثر تضمین حقوق بشر قرار بگیرد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). *فلسفه حقوق بشر*. به تصحیح سیدابوالقاسم حسینی، قم: انتشارات اسراء.

مقالات همایش نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تدوین و توسعه ترویجی حقوق بین‌الملل، تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل، ۲۶۵-۲۷۲.

- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۷۵). «تدوین حقوق بشر دوستانه و مفهوم اسلامی آن». مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۸(۱): ۱۴۹-۱۵۳.

- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۳). حقوق بین‌الملل: رهیافتی اسلامی. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۷۲). «مفهوم اسلامی حقوق بشردوستانه». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۲۹(۲): ۲۲۰-۲۲۲.

- معین، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی. به تصحیح عزیرالله عزیزاده، چاپ دوم، تهران: انتشارات فردوس.

ب. منابع انگلیسی

- Bantekas, I & Nash, S (2003). *International Criminal Law*. 2nd ed., London: N.P.

- Fleck, D (2008). *The Handbook of International Humanitarian Law*, 2nd ed., Oxford: Oxford University Press.

- Jennings, R & Watts, A (1994). *Oppenheim's International Law*, 9th ed., Oxford: Oxford University Press.

- Shaw, M (2008). *International Law*. 6th ed., Cambridge: Cambridge University Press.

- Solis, D (2010). *The Law of Armed Conflict: international humanitarian law in war*. Cambridge: Cambridge University Press.

- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۶۰). اسرار الآیات به انضمام تعلیقات حکیم مولی علی نوری. جلد اول، تهران: انتشارات حکمت.

- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۲). حقوق بین‌الملل بشردوستانه. تهران: انتشارات گنج دانش.

- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۳). اسلام و حقوق بین‌الملل بازنگری شده. تهران: انتشارات گنج دانش.

- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات.

- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

- عباسی، مجید (۱۳۹۵). «نظریه اسلامی حقوق بشردوستانه و صلح بین‌المللی با تأکید بر کرامت ذاتی و ارزش انسان». پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۱۰(۴): ۱۵-۱۷.

- فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰). التفسیر الکبیر. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- فقیه حبیبی، علی (۱۳۹۵). «جایگاه حقوق بشردوستانه در اسلام و اسناد بین‌المللی». فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۲(۲): ۸۰-۸۲.

- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۷). حقوق بشر و حقوق بشردوستانه. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۶). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الإسلامیة.

- کاظمی، علیرضا (۱۳۸۹). «نقش مجمع عمومی ملل متحد در توسعه و تدوین حقوق بشردوستانه بین‌المللی». مجموعه